

ارتباط و مفهوم‌شناسی فسخ، انفساخ، تفاسخ و آثار و تبعات آن در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز

امیر اسلامی همدانی*، دانشگاه تهران • سید یونس نورانی مقدم، دانشگاه بوعلی سینا همدان • سیده رویا موسوی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

چکیده

از موضوعات مورد بحث در نظام حقوقی کشورهای دنیا، تفاوت فسخ عقد و بطلان آنست، طرح دعوی مطروحه در باب نوع آن از اهمیت فراوانی برخوردار است و بسته به عرف و رویه قضائی و نظام حقوقی ملل (با اندکی تفاوت)، نقاط اشتراک بسیاری دارد. آنچه در باب این موضوع در نظام حقوقی ایران طرح می‌شود بسیار بسیط است و نظرات متفاوتی از منابع حقوق فرعی ایران (دکترین حقوق) صادر شده است. با این وجود خلأ قانونی محسوس در این موضوع، عدم تفاوت و عدم تعریف آن در نظام قانون مدنی کشور است؛ زیرا با توجه به محتوای آن، باید تفکیک موضوع از الزام قانونی مدونی پیروی کند؛ در حالی که قانون‌گذار بدون تعریف، تنها به نام‌گذاری آن اکتفا کرده و تفسیر را بر عهده همگان نهاده است؛ در حالی که یک نظام حقوقی مترقی باید در اصل قانون‌گذاری، جامع باشد و در مبحث تفسیر قوانین مدون، تا حد ممکن همگان در تنگنا قرار دهد. در مقدمه، هر یک از موضوعات، تعریف شده، در خصوص انواع آن بحث می‌شود و سپس تفاوت‌های آن در حقوق موضوعه ایران بررسی می‌گردد. در آخر به تفاوت این دو نهاد حقوقی در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز اشاره می‌شود و آثار هر یک (در صورت وقوع) بر حقوق و تعهدات طرفین بررسی می‌گردد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال نویسنده: ۹۵/۱۲/۰۱
تاریخ ارسال به داور: ۹۵/۱۲/۰۵
تاریخ پذیرش داور: ۹۵/۱۲/۲۶

واژگان کلیدی:

فسخ، تفاسخ، انفساخ، قراردادهای نفتی

مقدمه

انحلال قرارداد را با پایان آن نیز نباید اشتباه گرفت. قرارداد با اجرای تمامی تعهدهای ناشی از آن پایان می‌پذیرد. اما این تحول طبیعی به معنای انحلال عقد نیست. انحلال زمانی است که عقد، بر حسب مفاد خود، جایی برای اجرا داشته باشد اما سبب ویژه‌ای آنرا بی‌اثر کند.

تعلیق قرارداد را نیز باید از انحلال قرارداد تمیز داد. در تعلیق، عقد به هم نمی‌خورد و تنها اجرای آن موقوف می‌شود. به همین دلیل، پس از زوال سبب تعلیق، عقد دوباره اثر خود را باز می‌یابد [۲].

در حقوق ایران، انحلال قرارداد را (به اعتبار سهمی که اراده‌ی دو طرف در آن دارد) به سه گروه تقسیم کرده‌اند [۱]:

الف) انحلال قرارداد به تراضی؛ که آنرا اقاله و گاه تفاسخ می‌گویند (ماده‌ی ۲۸۳-قانون مدنی) و ماده‌ی ۲۶۴ ق.م آنرا در زمره‌ی اسباب سقوط تعهدات آورده است.

ب) انحلال ارادی؛ که با تصمیم یکی از دو طرف انجام می‌شود. این عمل حقوقی، بر خلاف اقاله که در شمار قراردادهای می‌آید، ایقاع است و نیاز به تراضی ندارد. انحلال ارادی بدین معنی را فسخ می‌گویند (ماده‌ی ۲۴۹ ق.م).

ج) انحلال قهری؛ که خودبه‌خود انجام می‌شود و اراده‌ی طرفین یا یکی از آنها در وقوع آن دخالتی ندارد. انحلال قهری را در

قرارداد، موجودی اعتباری است که از لقاح دو اراده‌ی رقیب و هم‌آهنگ مایه می‌گیرد؛ دو اراده‌ای که به‌طور معمول نماینده‌ی دو نفع گوناگون اما همسو و همگام هستند و جمعشان به تراضی می‌انجامد. تراضی، جوهر عقد است. با این وجود، در جهان، زمانی حقوق پرورده شده و نفوذ می‌یابد که با نظم عمومی و مصلحت اجتماعی برخورد نکند و از درون نیز از طرف اهل صادر گردد و موضوع معلوم و مشروع داشته باشد [۱]. اما هر قراردادی پایانی دارد. انحلال قرارداد عبارت است از، از بین رفتن قراردادی نافذ و موجود؛ قطع نظر از علت آن. مثلاً پیمانکار و کارفرما به این نتیجه می‌رسند که بهتر است از سر پیمان بگذرند و هر کدام به راه خویش رود [۸].

انحلال قرارداد را نباید با بطلان آن اشتباه گرفت؛ عقد باطل، از ابتدا موجود نبوده و در عالم حقوق، اعتباری ندارد. اما در انحلال، سببی، عقد موجود را بر هم می‌زند. پس در هر انحلال دو مرحله‌ی ممتاز وجود دارد؛ مرحله‌ی نخست از آغاز تراضی تا زمان وقوع سبب انحلال است که قراردادی نافذ، بر رابطه‌ی دو طرف حکومت دارد. مرحله‌ی دوم از لحظه‌ی تحقق سبب انحلال است که باعث گیسختن پیمان شده و عقد را در حکم، باطل می‌کند [۱].

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات (amir_eslamiyeh@ut.ac.ir)

اصطلاح انفساخ می‌گویند.

در خصوص اثر انحلال، قاعده بر اینست که اثر آن ناظر به آینده است و عقد را از هنگام تحقق سبب برهم می‌زند (مانند ماده‌های ۴۵۹ و ۴۸۳ و ۴۹۶ و ۸۰۴ ق.م).

در این پژوهش، اسباب انحلال قرارداد، آثار آن در قراردادهای نفتی و تفاوت هر یک از این اسباب بررسی می‌شود. اما قبل از آن مفهوم شناختی هر یک از این اسباب در نظام حقوقی رومی، ژرمنی و کامن‌لا تشریح می‌گردد و سپس این مفاهیم در قراردادهای نفتی بررسی خواهند شد.

۱- فسخ^۱

۱-۱- فسخ در لغت و تعریف آن در اصطلاح حقوقی

فسخ در لغت و در مفهوم فقهی آن به معنای برهم زدن و قطع کردن است. در واقع فسخ را می‌توان پایان دادن به هستی حقوقی قرارداد و زایل کردن یا انحلال یک‌جانبه‌ی قرارداد توسط یکی از دو طرف قرارداد یا شخص ثالث تعریف کرد. اساسی‌ترین عنصر این تعریف، اختیار و اقتداری است که دارنده‌ی حق فسخ به موجب تراضی طرفین قرارداد یا به موجب قانون، در پایان دادن به حیات و اعتبار معامله دارد.

لزوم وفاداری به قراردادهای، عدم امکان تخطی از مفاد آنها و فسخ یک‌جانبه‌ی آنها از اصول پذیرفته شده‌ی جهانی است. با این وجود در نظام‌های گوناگون حقوقی مواردی وجود دارد که به استناد آنها می‌توان یک قرارداد لازم را فسخ کرد. در حقوق ایران این موارد تحت عنوان خیرات بیان می‌شوند. در قراردادهای نفتی شرط فسخ از دو جهت مثبت و منفی اهمیت دارد. از جهت مثبت، مواردی که هر یک از طرفین می‌تواند قرارداد را فسخ کند مقرر می‌شود و از جهت منفی، فسخ قرارداد به موارد احصاء شده در قرارداد منحصر می‌گردد. در ماده‌ی ۳۹ قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت ایتالیایی آجیپ آمده: "جز در مواردی که طرف‌های این موافقت‌نامه به نحو دیگری توافق کنند این موافقت‌نامه قبل از انقضای مدت آن فسخ نخواهد شد."

علاوه بر آن، در قراردادهایی که شامل عملیات اکتشاف است معمولاً طرفین مقرر می‌کنند که اگر در مدت معینی عملیات اکتشاف منجر به یک میدان تجاری یا تولید تجاری نگردد قرارداد فسخ شود. منظور از این فسخ، اتمام قرارداد به دلیل ناکامی در رسیدن به اهداف قراردادی است که بعضاً به آن انفساخ، کأن لم یکن، منقضی و باطل نیز اطلاق می‌شود [۳]. در این بخش ابتدا موارد فسخ قراردادهای نفتی برای هر یک از طرفین توضیح داده شده و سپس تبعات و تأثیرات فسخ بیان می‌گردد.

۱-۲- موارد فسخ قرارداد توسط دولت میزبان

فسخ قراردادهای نفتی به خصوص زمانی که میدانی تجاری کشف شده یا میدان به تولید رسیده، برای شرکت‌های سرمایه‌گذار فاجعه است. به همین دلیل در قراردادهای نفتی مواردی که طرفین می‌توانند قرارداد را فسخ کنند به دقت تعریف می‌شود. هرچند موارد فسخ هر قرارداد به اقتضای شرایط آن معین می‌گردد، اما موارد فسخ قراردادهای نفتی کم و بیش از منطق یکسانی پیروی می‌کنند.

کارفرما تمایل دارد هر زمان که پیمانکار در انجام تعهدات عمده‌ی خود قصور کند، او بتواند قرارداد را فسخ نماید و این امر را حق مشروع خود می‌داند. در برخی از قراردادها آن دسته از تعهدات اصلی که نقض آنها عمده و اصلی تلقی شده و باعث ایجاد حق فسخ برای کارفرما می‌گردد، مشخص می‌شوند [۹]. در بخش تعاریف نیز ممکن است این تعهدات تعریف نشده باشند و مشخص نیست کدام یک از تعهدات پیمانکار تحت شمول تعهدات عمده و اصلی قرار دارند و کدام یک از دایره‌ی شمول آنها خارج هستند. این ابهام ممکن است در عمل به بروز اختلاف بین طرفین قرارداد منتهی شود؛ مثلاً ممکن است شرکت ملی نفت ایران، عدم ارائه‌ی گزارش در مواعد مشخص شده در قرارداد را نقض عمده و اصلی قرارداد تلقی کند اما پیمانکار چنین اعتقادی نداشته باشد. در صورت وقوع چنین وضعیتی مرجع حل و فصل اختلاف، مطابق قرارداد، به اختلاف رسیدگی خواهد کرد. جهت پرهیز از هرگونه ابهام، بهتر است در بخش تعاریف، تعریف جامع و مانعی از نقض اساسی قرارداد ارائه شود تا به هنگام بروز اختلاف بتوان به آن استناد کرد. بنابراین طبق تعریف ارائه شده در قرارداد، اگر نقض هر یک از تعهدات، نقض اساسی محسوب شود دولت میزبان محق به خاتمه‌ی قرارداد است [۱۰].

گاهی در قراردادهای به طور مجمل و مبهم ذکر می‌شود که اگر پیمانکار نقض عمده یا تخلف اساسی داشته باشد، کارفرما می‌تواند قرارداد را فسخ کند. مثلاً در قراردادهای بیع متقابل ایران و قراردادهای خدمت عراق آمده که هرگاه پیمانکار پس از اخطار کتبی، جهت جبران یک نقض اساسی اقدام نکند، کارفرما حق فسخ قرارداد را دارد.

معمولاً در کنار عبارات کلی و مبهم «نقض عمده» یا «تخلف اساسی» مصادیق خاصی از نقض اساسی نیز ذکر می‌شود اما تصریح می‌گردد که موارد فسخ به مصادیق مذکور منحصر نیست [۳].

از دیگر موارد نقض اساسی که در قرارداد بدرا در عراق تصریح شده، کوتاهی پیمانکار در رعایت برنامه‌ی توسعه، برنامه‌های کار

تقاضای افزایش طول دوره‌ی اکتشاف را مطرح کند و این تقاضا توسط کارفرما پذیرفته شود.

سوم آنکه گذشته از موارد ذکر شده، ممکن است قرارداد با اخطار کتبی نمود روزه‌ی هر یک از طرفین مبنی بر تخلف عمده‌ی^۲ طرف دیگر از مفاد قرارداد فسخ شود [۵].

در قراردادهای خدماتی، به موجب بند-۴ ماده‌ی-۲۳ قرارداد پیمانکاری اکتشاف و توسعه‌ی نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت فرانسوی نفت مقرر شده که هرگاه پیمانکار همه‌ی تعهدات دیگری را که به موجب این قرارداد دارد انجام ندهد، شرکت ملی نفت یک اخطار کتبی سفارشی در مورد عدم انجام تعهدات، صادر و به پیمانکار کل ابلاغ خواهد کرد. هرگاه ظرف مدت یک‌ماه از این تاریخ، پیمانکار همه‌ی تعهداتی را که در اخطار مزبور تصریح شده انجام ندهد، شرکت ملی نفت حق خواهد داشت این قرارداد را فسخ کند.

در قراردادهای بیع متقابل ایران موارد زیر برای خاتمه‌ی قرارداد توسط شرکت ملی نفت ایران پیش‌بینی شده است:

۱) اگر به موجب قرارداد و در پی اخطاریه، پیمانکار از پرداخت مبالغ ضروری امتناع کرده و تخلف او بر اجرای عملیات توسعه اثر بگذارد.

۲) اگر پیمانکار پس از دریافت اخطاریه، از جبران تعهدات نقض شده و معوقه امتناع کند.

۳) ورشکستگی^۳، انحلال^۴، احیاء^۵ یا ادغام^۶ شرکت پیمانکار، موجبی برای خاتمه‌ی قرارداد توسط دولت میزبان محسوب نخواهد شد.

۴) در صورت تخلف پیمانکار در استفاده از خدمات، تجهیزات و مواد اولیه‌ی موجود در ایران^۷ طبق قرارداد و ضمیمه‌ی آن.

۵) در صورت تخلف پیمانکار از انتقال فن آوری^۸ و دانش فنی^۹ به شرکت ملی نفت ایران، آن‌گونه که در قرارداد و ضمیمه‌ی مربوطه مقرر شده است [۶].

در خصوص شرط خاتمه‌ی قرارداد توسط دولت میزبان، ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

الف) طبق بند یکم قرارداد، اگر عدم پرداخت مبالغ لازم توسط پیمانکار، اجرای عملیات توسعه را با مخاطره روبرو کند شرکت ملی نفت ایران می‌تواند قرارداد را با رعایت تشریفات مقرر خاتمه دهد. بنابراین صرف عدم پرداخت یا هزینه نکردن مبالغ مقرر در قرارداد، حق خاتمه‌ی قرارداد را به شرکت ملی نفت نمی‌دهد، بلکه این عدم پرداخت باید عملیات توسعه را تحت تأثیر قرار دهد [۱۲].

ب) در بند دوم قرارداد بیع متقابل، بدون آنکه به قابل جبران بودن^{۱۱} یا نبودن^{۱۲} تخلفات و تقصیرات پیمانکار توجه شده و

و بودجه‌ی سالیانه است. چنین مجوزی به کارفرما اختیار می‌دهد که به دلیل تخلف پیمانکار از برنامه‌های مصوب، قرارداد را فسخ کند. در این قرارداد همچنین عدم دستیابی پیمانکار به هدف منحنی تولید^۲ یا عدم حفظ منحنی تولید در مدت مقرر، به کارفرما حق فسخ می‌دهد؛ مشروط به اینکه پیمانکار سرمایه‌گذاری لازم را انجام نداده یا در رعایت رویه‌های متعارف صنعت نفت کوتاهی کرده باشد [۱۱].

در قراردادهای امتیازی دولت انگلیس نیز مقرر شده که با وقوع هر یک از حوادث مندرج در قرارداد امتیازی، دولت حق فسخ قرارداد را خواهد داشت؛ از جمله‌ی این شروط هرگونه تخطی صاحب امتیاز از شروط مقرر در برنامه‌ی توسعه‌ی میدان (اگر صاحب امتیاز، شخص حقوقی باشد) و از دست دادن کنترل و اداره‌ی میدان است. در نهایت حتی اگر در اشخاص حقوقی کنترل مؤثر بر آنها بعد از سه ماه از تاریخ اعطای امتیاز تغییر یابد وزیر می‌تواند تقاضای فسخ قرارداد را مطرح کند [۴].

در قراردادهای مشارکت در تولید، اگر شرکت خارجی از تعهدات مالی خود مبنی بر سرمایه‌گذاری در عملیات اکتشافی و توسعه امتناع کند یا تخلفی جدی از تعهدات قراردادی داشته باشد که بر اساس آن شرکت خارجی مقصر قلمداد شود یا وضعیت مالی شرکت خارجی به نحوی متزلزل گردد که شرکت ورشکسته شود یا حکم ورشکستگی آن در معرض صدور باشد یا حتی طرح دعوی ورشکستگی علیه شرکت صورت گرفته باشد، دولت میزبان می‌تواند از این حق فسخ استفاده کند. در این صورت، دولت میزبان مکلف است نسبت به ارائه‌ی اخطار فسخ در موعد مشخصی اقدام نماید. اگر شرکت خارجی نتواند جهت جبران قصور خود یا اعاده‌ی وضعیت مالی خود اقدام شایسته‌ای انجام دهد، دولت میزبان محق به فسخ قرارداد خواهد بود [۵].

در قراردادهای مشارکت در تولید اندونزی نیز این شرط لحاظ شده است. در این قراردادها فسخ قرارداد طی دو یا سه سال آغازین امکان‌پذیر نیست. اما پس از گذشت این دوره ممکن است در پی موارد زیر قرارداد فسخ شود:

نخست اینکه پیمانکار می‌تواند در هر زمان که شرایط ادامه‌ی عملیات اکتشاف و توسعه وجود نداشته باشد، قرارداد را به صورت یک‌طرفه فسخ کند. این فسخ اختیاری قرارداد باید با اعلام کتبی به شرکت ملی نفت اندونزی و مشورت آن شرکت باشد. در این صورت پیمانکار از تعهداتی که برابر شرکت ملی نفت اندونزی دارد بری می‌شود؛ البته به جز آن دسته از تعهداتی که قبل از فسخ قرارداد بر عهده‌ی او بوده است.

دوم اینکه اگر در پایان دوره‌ی اکتشاف، نفتی کشف نشود قرارداد خودبه‌خود منفسخ خواهد شد؛ مگر اینکه پیمانکار

تأخیر تعهد هر یک از طرفین، طرف دیگر حق فسخ قرارداد را خواهد داشت و گرنه صرف تحقق فورس ماژور از این حق بهره‌مند نمی‌شود (مثلاً ماده‌ی ۳-۲۹ قرارداد نفتی درود مقرر می‌دارد: «اگر انجام تعهدی در نتیجه‌ی فورس ماژور بیش از هجده ماه به تعویق بیافتد هر یک از طرفین بدون اینکه تعهداتی اضافه بر آنچه در اینجا ذکر شده در قبال طرف دیگر داشته باشد می‌تواند با یک اخطار کتبی این قرارداد را فسخ کند. با این فسخ پیمانکار حق خواهد داشت هزینه‌های نفتی انجام شده‌ی قبل از فسخ به اضافه‌ی حق الزحمه‌ای متناسب با هزینه‌های سرمایه‌ای صرف شده را دریافت کند. هر دو هزینه‌ی مزبور از محل درآمد حاصل از منطقه‌ی قرارداد پس از تکمیل عملیات توسعه پرداخت خواهد شد. در صورت وقوع این فسخ، طرفین توافق می‌کنند که پس از پایان فورس ماژور با حسن نیت درباره‌ی شروع مجدد عملیات توسعه و تکمیل آن مذاکره کنند.»)

۱-۳- موارد فسخ قرارداد توسط سرمایه‌گذار خارجی

در قراردادهای مختلف نفتی مقررات متنوعی در خصوص امکان و موارد خاتمه‌ی قرارداد توسط پیمانکار پیش‌بینی شده است. برخی قراردادهای موارد خاتمه‌ی قرارداد توسط پیمانکار را تنها به وقوع فورس ماژور محدود کرده و حاوی مقرراتی در خصوص خاتمه‌ی قرارداد به سبب نقض تعهدات یا تخلف دولت میزبان از اجرای تعهداتش نیستند. از علل اصلی نبود شروط مربوط به خاتمه‌ی قرارداد توسط پیمانکار به سبب تخلف یا نقض تعهدات توسط دولت میزبان، اینست که در برخی قراردادهای نقش دولت میزبان در عملیات نفتی و کنترل آن ناچیز و در مقابل، نقش پیمانکار به عنوان عامل اجرای پروژه و مدیریت آن گسترده است؛ از این رو تعهدات دولت میزبان مطابق قرارداد و به تناسب نقش او در پروژه، ناچیز و حتی در برخی موارد فاقد تعهداتی است که نقض آنها، موجبات خاتمه‌ی قرارداد را فراهم می‌کند.

در قراردادهای بیع متقابل (مدل ۲۰۰۸) در صورت تخلف و نقض تعهدات از سوی دولت میزبان، مقررات مجزایی جهت خاتمه‌ی قرارداد توسط پیمانکار پیش‌بینی شده است. به موجب ماده‌ی ۳-۴ این قرارداد: «در صورت نقض تعهدات اصلی و عمده توسط شرکت ملی نفت ایران، پیمانکار می‌تواند با ارسال اخطار کتبی نمود روزه قرارداد را خاتمه دهد. اگر شرکت ملی نفت ایران طی دوره‌ی اخطاریه، تخلف انجام شده را جبران کند پیمانکار از خاتمه قرارداد صرف نظر خواهد کرد. افزون بر این اگر پیمانکار اطمینان یابد که شرکت ملی نفت ایران تمام تلاش خود را در راستای جبران تخلفات صورت گرفته انجام می‌دهد، مکلف است دوره‌ی مزبور را به تناسب تمدید کند.»

این دو مورد از یکدیگر تفکیک گردند، با بیانی کلی، تمامی موارد پنج‌گانه به عنوان موارد قابل جبران توسط پیمانکار معرفی شده‌اند؛ این در حالی است که جبران موارد برشمرده در بند سوم، در خصوص ورشکستگی یا انحلال شرکت پیمانکار، خارج از حیطه‌ی اختیار و اقتدار پیمانکار محسوب می‌شود و توسط او قابل جبران نیست.

ج) وقایعی نظیر ورشکستگی و انحلال، برخلاف ادغام یا احیای شرکت نفتی، امکان اجرای پروژه توسط پیمانکار را متعسر و غیرممکن می‌کند و طبیعی است در این حالت، دولت میزبان حق خاتمه‌ی قرارداد را خواهد داشت؛ با این وجود ممکن است قراردادی مشروط به تحقق شرایطی، امکان اجرا و تکمیل پروژه را حتی در صورت ورشکستگی یا انحلال شرکت پیمانکار نیز تجویز کند.

د) از موارد دیگری که در قراردادهای مختلف نفتی موجبات خاتمه‌ی قرارداد را توسط دولت میزبان فراهم می‌آورد می‌توان به واگذاری قرارداد یا حقوق و تعهدات قراردادی بدون رضایت دولت میزبان، عدم ارائه‌ی ضمانت‌نامه‌ی حسن اجرای تعهد به دولت میزبان، استخراج منابع معدنی غیر از آنچه به موجب قرارداد، پیمانکار مجاز به استخراج آنست، ارائه‌ی تضامین خلاف واقع، تغییر در کنترل و مدیریت شرکت پیمانکار، عدم شروع عملیات توسعه یا عدم اجرای آن طبق برنامه‌ی کاری یا طرح جامع توسعه و نقض حقوق بین‌الملل اشاره کرد.

اگر شرکت ملی نفت نیز تکالیف خود را انجام ندهد حق فسخ برای پیمانکار به وجود می‌آید. به موجب ماده‌ی ۳-۴ قرارداد یاد شده: «در صورت نقض هر یک از تعهدات اصلی توسط شرکت ملی نفت ایران پیمانکار حق خواهد داشت که با دادن یک اخطار کتبی نمود روزه قرارداد حاضر را فسخ نماید و هرگاه شرکت ملی نفت ایران نقض مزبور را ظرف مدت یاد شده جبران کند، پیمانکار اخطاریه را پس خواهد گرفت. در صورتی که پیمانکار به نحو معقولی معتقد باشد که شرکت ملی نفت ایران تمام تلاش‌های معقول را برای جبران قصور به کار گرفته است، پیمانکار می‌تواند مدت اخطاریه را به نحو متناسب تمدید کند.»

بنابراین اگر شرکت ملی نفت ایران هر یک از تعهدات اصلی خود (مثلاً پرداخت هزینه‌های انجام شده توسط پیمانکار) را نقض کند پیمانکار مشروط به ارسال اخطار کتبی و سپری شدن مهلت و برطرف نشدن نقض مربوط توسط کارفرما، می‌تواند قرارداد را فسخ نماید [۷].

مورد دیگری که در این قراردادها سبب فسخ می‌شود فورس ماژور است که منوط به وجود شرایطی است. معمولاً در قراردادهای بیع متقابل ایران، پس از سپری شدن مدتی از بروز حادثه، در صورت

شده توسط آنها و نیز حق الزحمه‌ی قراردادی تا هنگام خاتمه‌ی قرارداد به آنها تعلق خواهد گرفت یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که در قراردادهای نفتی، مکانیزم خاتمه‌ی قرارداد توسط دولت میزبان، اختیاری نبوده^{۱۴} و به‌منظور تحقق امکان این امر باید زمینه‌ها و اسباب خاتمه‌ی قرارداد فراهم شود^{۱۵}؛ از این‌رو در صورت تحقق اسباب و زمینه‌های خاتمه‌ی قرارداد که سرمنشاء همه‌ی آنها نقض تعهدات توسط پیمانکار است، نه‌تنها محمولی برای جبران هزینه‌ها و پرداخت حق الزحمه‌ی پیمانکار باقی نمی‌ماند بلکه وی مکلف به جبران خسارت دولت میزبان نیز هست [۶].

۳- خاتمه‌ی قرارداد توسط طرفین قرارداد (اقاله یا تفاسخ)

خاتمه‌ی قرارداد توسط طرفین قرارداد، ناظر به مواردی است که یا پیمانکار و شرکت ملی نفت دولت میزبان با توافق طرفینی^{۱۶} قرارداد را خاتمه می‌دهند یا در اثر وقوع فورس‌ماژور، هر یک از طرفین مجاز به خاتمه‌ی قرارداد باشند یا محکمه‌ی داوری که به اختلاف طرفین رسیدگی می‌کند رأی به نقض عمده‌ی تعهدات قراردادی از سوی یکی از طرفین یا هر دوی آنها دهد و بر اساس رأی صادره، یکی از طرفین یا هر دوی آنها محق باشند قرارداد را خاتمه دهند.

اگر در قرارداد، مقررات جامعی در خصوص شرایط و آثار خاتمه‌ی طرفینی پیش‌بینی نشده باشد، ممکن است طرفین، مقررات مزبور را به‌موجب موافقت‌نامه‌ای که به سند خاتمه یا الغای توافقی قرارداد^{۱۷} موسوم است تعیین کنند. در این سند، حقوق و تعهدات طرفین پس از خاتمه‌ی قرارداد، شامل ارائه‌ی خدمات مشخص تا زمان انعقاد قرارداد با پیمانکار جدید، تحویل اسناد و مدارک فنی مربوط به پروژه به دولت میزبان، تعهد به رازداری، همکاری با پیمانکار جدید، پرداخت‌ها و چگونگی آن (شامل پرداخت هزینه‌ها و حق الزحمه‌ی پیمانکار تا زمان خاتمه‌ی قرارداد)، تاریخ مؤثر شدن سند خاتمه‌ی قرارداد^{۱۸}، تضامین و جبران خسارت^{۱۹} و مقررات متفرقه قید می‌شود [۶]. طبق ماده‌ی ۴-۴ قرارداد بیع متقابل، در صورت وقوع فورس‌ماژور یا صدور رأی محکمه‌ی داوری، هر یک از طرفین قادر است قرارداد را خاتمه دهد. بار اثبات وقوع فورس‌ماژور بر عهده‌ی طرفی است که مدعی تحقق آنست. در صورت بروز اختلاف بین طرفین قرارداد راجع به وقوع یا عدم وقوع فورس‌ماژور، ابتدا کمیته‌ی مدیریت مشترک به اختلاف رسیدگی می‌کند. اگر این کمیته در خصوص اختلاف به اجماع نظر نرسد، مدیریت ارشد^{۲۰} هر یک از طرفین قرارداد تلاش خود را جهت حل اختلاف متمرکز خواهند کرد. اگر مدیران ارشد نیز

در صورت بروز اختلاف بین طرفین در خصوص تحقق یا عدم تحقق موجبات نقض قرارداد، محکمه‌ی داوری تشکیل شده و بر اساس رأی این محکمه که برای طرفین، نهایی و الزام‌آور است تکلیف تعیین می‌شود.

۲- خاتمه‌ی جزئی قرارداد^{۲۱}

اگر دو یا چند شرکت یا کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی به‌عنوان پیمانکار طرف قرارداد با دولت میزبان باشند این بحث مطرح می‌شود که آیا خاتمه‌ی قرارداد نسبت به یک یا چند تا از این شرکت‌ها امکان‌پذیر خواهد بود؟ به عبارت دیگر اگر موجبات خاتمه‌ی قرارداد نسبت به یک یا چند شرکت نفتی طرف قرارداد (و نه همه‌ی آنها) صدق کند تکلیف چیست؟ آیا خاتمه‌ی قرارداد نسبت به یک یا چند شرکت، به دیگر اعضای کنسرسیوم نفتی نیز سرایت کرده و قرارداد یک‌سره خاتمه می‌یابد یا دولت میزبان می‌تواند قرارداد را صرفاً نسبت به شرکت یا شرکت‌های متخلف خاتمه دهد؟

خاتمه‌ی قرارداد نسبت به برخی طرف‌های قرارداد (و نه همه‌ی آنها) تحت مکانیزم خاتمه‌ی جزئی قرارداد تبیین شده و مقررات ناظر بر آن تعیین می‌گردد.

قراردادهای مختلف نفتی با وجود پیش‌بینی مقرراتی راجع به خاتمه‌ی جزئی قرارداد، حاوی شرایط و مفاد متنوعی در این خصوص هستند؛ اگر دولت میزبان قرارداد را نسبت به یک یا چند تن از شرکای کنسرسیوم خاتمه دهد، دیگر شرکای نفتی طرف قرارداد، به نسبت سهامشان در عملیات نفتی، مالک سهم شریک یا شرکای مزبور در این عملیات شده و حقوق، تعهدات و مسئولیت‌های شریک یا شرکای متخلف را برعهده خواهند گرفت. واگذاری سهم شریک یا شرکای متخلف به سایر شرکاء، منوط به تصویب دولت میزبان خواهد بود [۷].

سؤالی که مطرح می‌شود اینست که اگر شریک یا شرکاتی غیرمتخلف، سهم شرکای متخلف را نپذیرند و راضی به واگذاری حقوق و تعهدات آنها به خود، نسبت به سهامشان نشوند، تکلیف چیست؟

برخی قراردادهای حاوی حکمی در این خصوص نبوده و تنها اختیار سایر شرکاء در پذیرش یا عدم پذیرش سهم شریک یا شرکای متخلف را بیان کرده‌اند. در برخی دیگر از قراردادهای ضمانت اجرای عدم موافقت سایر شرکاء در پذیرش سهم شریک یا شرکای غیرمتخلف، خاتمه‌ی قرارداد نسبت به تمام طرف‌های قرارداد مقرر شده است.

سؤال دیگر آنست که اگر دولت میزبان قرارداد را نسبت به یک یا چند شرکت متخلف خاتمه دهد آیا هزینه‌های انجام

حق بازیافت هزینه‌های نفتی را خواهد داشت و حق الزحمه‌ی قراردادی یا هزینه‌های بانکی او قابل استهلاک نخواهند بود.

در قراردادهای بیع متقابل در صورت خاتمه‌ی قرارداد تمامی ارقام سرمایه که توسط پیمانکار و جهت اجرای عملیات توسعه وارد کشور شده یا از داخل خریداری می‌شوند، به نام شرکت ملی نفت ایران وارد و خریداری شده و مالک انحصاری این ارقام، شرکت مزبور خواهد بود. بنابراین پیمانکار نسبت به ارقام سرمایه‌ای خریداری شده برای پروژه حقی نخواهد داشت. پیمانکار در مقابل خرید و واردات این ارقام، تنها نسبت به مبلغی که با عنوان هزینه‌های سرمایه‌ای برای این ارقام سرمایه در نظر گرفته شده، ذی حق است که در دوران استهلاک، این هزینه‌ها را بازیافت خواهند کرد.

طبیعتاً اقلامی که جهت استفاده‌ی موقتی وارد پروژه شده یا اجاره می‌شوند، به مالکیت شرکت ملی نفت در نمی‌آیند و با خاتمه‌ی قرارداد پیمانکار قادر است ارقام مزبور را به کشور خارجی یا در داخل به مالکینش عودت دهد. در این فرض نیز هزینه‌ی اجاره‌ی این ارقام، در حساب پروژه منظور و در دوران استهلاک به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد [۶].

در قراردادهای خدمت عراق قید شده که اگر قرارداد به دلیل تخلفات پیمانکار توسط کارفرما فسخ شود، پیمانکار هیچ استحقاقی نسبت به بازیافت هزینه‌ها و دریافت حق الزحمه نخواهد داشت. مطابق با بند ج ماده‌ی ۱-۸ قرارداد رومبلا اگر کارفرما قرارداد را مطابق با مفاد آن فسخ کند (۱) پیمانکار از تاریخ فسخ، تمامی حقوق و منافع خود در قرارداد را از دست می‌دهد (۲) پیمانکار، کارفرما را از هرگونه اقدام، شکایت یا دادخواستی در خصوص فسخ مصون می‌دارد؛ مگر اختلاف در مورد خود فسخ (۳) پیمانکار باقیمانده‌ی مبالغ تعهد شده را که هزینه نکرده به کارفرما پرداخت می‌کند. اما در قراردادهای خدمت عراق تصریح شده که اگر پیمانکار قرارداد را فسخ کند، تبعات این فسخ مثل مواردی است که کارفرما قرارداد را فسخ کرده و بنابراین پیمانکار هیچ استحقاقی نسبت به بازیافت هزینه‌ها و دریافت حق الزحمه نخواهد داشت.

در قراردادهای بیع متقابل اگر قرارداد توسط پیمانکار و به سبب نقض تعهدات عمده و اصلی توسط شرکت ملی نفت ایران خاتمه یابد کارفرما موظف است اولاً حداکثر تلاش خود را معمول دارد که میدان را رأساً یا توسط سایر شرکت‌ها توسعه دهد؛ ثانیاً میزان استحقاق پیمانکار از طریق توافق یا مراجعه به مرجع حل و فصل اختلاف تعیین خواهد شد؛ ثالثاً در تعیین میزان استحقاق پیمانکار نباید خسارات غیرمستقیم مدنظر قرار گیرد؛ رابعاً میزان استحقاق پیمانکار نباید از کل هزینه‌های انجام شده توسط پیمانکار به اضافه‌ی درصد متناسبی از حق الزحمه تجاوز نماید.

در بیع متقابل آمده: «در صورت خاتمه‌ی قرارداد به سبب وقوع

ظرف موعده مقرر در قرارداد (سه ماه) موفق به حل اختلاف نشوند، اختلاف به داوری ارجاع خواهد شد و بر این اساس تصمیم‌گیری می‌شود (لازم به ذکر است که محکمه‌ی داوری تنها تحقق یا عدم تحقق موجبات خاتمه‌ی قرارداد را بررسی می‌کند و تصمیم‌گیری در خصوص خاتمه‌ی قرارداد بر مبنای رأی این محکمه، با محکوم‌له است).

بدیهی است که تا زمان صدور رأی نهایی توسط محکمه‌ی داوری، اقدامات انجام شده جهت خاتمه‌ی قرارداد اثری نخواهد داشت و قرارداد به قوت خود باقی خواهد ماند.

اگر ظرف هجده ماه از تاریخ وقوع فورس‌ماژور، عامل خارجی برطرف شود طرفی که تحت تأثیر فورس‌ماژور بوده، مکلف است بلافاصله طرف دیگر را با اخطاریه‌ای از رفع واقعه مطلع کند. پس از ابلاغ این اخطاریه، قرارداد از حالت تعلیق خارج شده، حقوق و تعهدات طرفین مجدداً برقرار گردیده و مدت زمانی متناسب با دوره‌ی تعلیق، به دوره‌ی اعتبار قرارداد افزوده می‌شود. تخلف هر یک از طرفین قرارداد از اجرای مجدد تعهدات، نقض عمده‌ی قرارداد محسوب می‌شود و طرف دیگر قادر است قرارداد را با رعایت تشریفات مقرر در ماده‌ی ۲-۴ خاتمه دهد [۶].

۴- آثار خاتمه‌ی قرارداد

همان‌طور که در نظام‌های حقوقی گوناگون موارد فسخ قرارداد تفاوت دارد، آثار فسخ نیز متفاوت است. بدین جهت در قراردادهای نفتی تبعات این فسخ به تفصیل بیان می‌شود. از جهت کارفرما، پیمانکار باید حداقل مبالغ تعهد شده را برای عملیات نفتی هزینه کند و هرگاه پیمانکار زود هنگام قرارداد را فسخ نماید، کارفرما بتواند مبالغ هزینه نشده وصول کند. پیمانکار نیز می‌خواهد هزینه‌های انجام شده را به اضافه‌ی بخش متناسبی از حق الزحمه دریافت کند [۳].

در قراردادهای بیع متقابل ایران (ماده‌ی ۵-۴ مدد سال ۲۰۰۸) قید شده که اگر به دلیل تخلفات پیمانکار، قرارداد توسط کارفرما فسخ شود هزینه‌های نفتی و حق الزحمه‌ی پیمانکار قابل بازیافت نخواهند بود؛ بر این اساس اگر پیمانکار از پرداخت مبالغ قراردادی، انتقال دانش فنی و فن آوری و استفاده از محصولات و تجهیزات داخلی ایران امتناع کند و ظرف مدت مقرر در قرارداد، تخلفات را جبران نکند یا ورشکسته یا منحل شود، قادر به بازیافت هزینه‌های نفتی و حق الزحمه‌ی قراردادی خود از نفت یا گاز تولیدی پروژه نخواهد بود. حتی در قرارداد توسعه‌ی فاز-۱۲ پارس جنوبی مقرر شده که در صورت خاتمه‌ی قرارداد به سبب نقض تعهدات قراردادی مقرر در ماده‌ی ۱-۱-۴، پیمانکار تنها

سایر اطلاعاتی که در عملیات نفتی از اهمیت اساسی برخوردارند را پس از خاتمه‌ی قرارداد نیز محرمانه نگه داشته و از افشای آن بدون رضایت دولت میزبان خودداری کند. به منظور جامعیت و یکپارچگی قرارداد، بهتر است آثار خاتمه‌ی قرارداد بر حسب موارد خاتمه و شروط و تعهداتی که پس از خاتمه‌ی قرارداد نیز به قوت خود باقی است، ذیل شرط خاتمه‌ی قرارداد (هرچند به طور مختصر) قید شود [۶].

۵-۳- شرط عدم تعلیق اجرای پروژه در صورت خاتمه‌ی قرارداد

در برخی قراردادهای جهت جلوگیری از تعلیق اجرای پروژه از تاریخ خاتمه‌ی قرارداد تا واگذاری پروژه به پیمانکار جدید، پیمانکار متعهد می‌شود پس از خاتمه‌ی قرارداد تا مدتی مشخص، اجرای عملیات نفتی را به حساب و هزینه‌ی دولت میزبان ادامه دهد.

این تعهد سبب می‌شود تعلیق اجرای پروژه و تأخیر در تکمیل اهداف قرارداد مرتفع شود؛ تعهد مزبور به ویژه در خصوص عملیات نفتی در میادین مشترک، برای دولت میزبان مطلوبیت زیادی دارد.

۵-۴- رعایت الزامات زیست محیطی

به دلیل آمره بودن قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی در خصوص حفظ و صیانت از محیط زیست، شرط سلامت، ایمنی و محیط زیست از شروط مهم قراردادهای نفتی پس از خاتمه‌ی آنهاست.

۵-۵- شرط اجباری حداقل تعهدات قراردادی

طبق برخی قراردادهای، با وجود اینکه پیمانکار مجاز به خاتمه‌ی قرارداد و رهاسازی منطقه‌ی قراردادی^{۳۲} است، اما این امر او را از اجرای حداقل تعهدات کاری که به موجب قرارداد مکلف به اجرای آنهاست، اما هنگام خاتمه‌ی قرارداد نیمه تمام مانده، رها نمی‌کند. به عبارت دیگر پیمانکار مکلف به اجرای تعهداتی است که در صورت عدم خاتمه‌ی قرارداد نیز باید آنها را اجرا می‌کرد؛ در واقع در چنین مواردی، اثر خاتمه یا عدم خاتمه‌ی قرارداد نسبت به پیمانکار یکسان بوده و دولت میزبان در هر دو صورت به اهداف قراردادی خود دست می‌یابد.

۵-۶- شرط مسئولیت

از دیگر شروطی که از دیدگاه دولت میزبان بقای آن پس از خاتمه‌ی قرارداد ضروری است، مسئولیت پیمانکار^{۳۳} است؛ این شرط مقررات ناظر به مسئولیت‌های پیمانکار در اجرای عملیات

فورس‌ماژور، تنها هزینه‌های نفتی که توسط پیمانکار و حین اجرای عملیات توسعه تا هنگام خاتمه‌ی قرارداد، پرداخت و هزینه شده قابل بازیافت خواهند بود و حق الزحمه‌ی قراردادی به او تعلق نخواهد گرفت.»

طبق قرارداد توسعه‌ی فاز-۱۲ پارس جنوبی، اگر هنگام وقوع فورس‌ماژور، پروژه به شرکت ملی نفت ایران تحویل داده شده باشد، حق الزحمه‌ی پیمانکار بر حسب تأسیسات تحویل شده به شرکت مزبور به مأخذ درصد مشخصی از هزینه‌های سرمایه‌ای پرداخت خواهد شد اما اگر هنگام وقوع فورس‌ماژور، پروژه به شرکت ملی نفت تحویل نشده باشد، هشتاد درصد حق الزحمه‌ی قراردادی به پیمانکار پرداخت خواهد شد. در این فرض، طرفین قرارداد به نوعی عملیات توسعه را تکمیل شده تلقی کرده و بر این اساس، هشتاد درصد حق الزحمه‌ی قراردادی به پیمانکار تعلق خواهد گرفت.

۵-۵- آثار شروط مستقل پس از خاتمه‌ی قرارداد

برخی تعهدات قراردادی واجد آثاری هستند که پس از خاتمه‌ی قرارداد نیز به قوت خود باقی می‌مانند؛ قراردادهای سرمایه‌گذاری و از جمله قراردادهای نفتی، معمولاً حاوی مقرراتی ناظر بر گسترش پاره‌ای تعهدات به زمان پس از خاتمه‌ی قرارداد هستند؛ افزون بر این تعهدات، برخی شروط مانند شرط داوری و شرط قانون حاکم نیز به دلایلی مثل نقض تعهدات یا کشف نقض تعهدات پس از خاتمه‌ی قرارداد، پس از این دوره نیز بر روابط طرفین حاکم خواهند بود.

۵-۱- ارائه‌ی گزارش و اجازه‌ی بازرسی از حساب‌ها

مثلاً در قرارداد بیع متقابل، پیمانکار مکلف است ظرف بیست روز از تاریخ خاتمه یا انقضای قرارداد، گزارشی در خصوص فرآیند عملیات توسعه به شرکت ملی نفت ایران ارائه دهد. این گزارش باید حاوی مواردی نظیر جزئیات عملیات توسعه و اطلاعات واقعی حاصل از عملیات انجام شده، اطلاعات حسابداری و هزینه‌های عملیات توسعه مطابق رویه‌ی حسابداری پیوست به قرارداد، نقشه‌ای که موقعیت استقرار تمامی چاه‌ها و سایر دارایی‌های ثابت پروژه را نشان می‌دهد و سایر اطلاعات مرتبط و ضروری باشد [۶].

۵-۲- تعهد به رازداری^{۳۱}

رازداری از جمله تعهداتی است که پیمانکار پس از خاتمه‌ی قرارداد تا مدتی مشخص، ملزم به رعایت آنست. طبق این شرط پیمانکار متعهد می‌شود اطلاعات فنی و تکنیکی، نقشه‌ها، گزارش‌ها و

به تفکیک مشخص می‌شود که در این موارد به‌وضوح حق فسخ طرف دولتی به‌مراتب بیش از سرمایه‌گذار خارجی است. دلیل آن نیز واضح است؛ زیرا سرمایه‌گذار خارجی که سرمایه‌گذاری هنگفتی در پروژه انجام داده به‌هیچ‌وجه تمایل به فسخ قرارداد و تحمل آثار و تبعات سنگین آنرا ندارد.

در ادامه مفهوم اقاله یا تفاسخ و آثار و تبعات آن در قراردادهای نفتی بررسی شد. برخی تعهدات قراردادی واجد آثاری هستند که پس از خاتمه‌ی قرارداد نیز به‌قوت خود باقی می‌مانند؛ قراردادهای سرمایه‌گذاری و از جمله قراردادهای نفتی، معمولاً حاوی مقرراتی ناظر بر گسترش پاره‌ای تعهدات به زمان پس از خاتمه‌ی قرارداد هستند؛ در ادامه سرنوشت این شروط در صورت خاتمه‌ی قرارداد، بررسی و این نتیجه حاصل شد که پس از خاتمه‌ی قرارداد، روابط طرفین و حقوق و تکالیف آنها به‌طور کلی از بین نمی‌رود و طرفین پس از خاتمه‌ی قرارداد نیز همچنان به‌موجب قرارداد و عرف صنعت نفت موظف به رعایت برخی تکالیف هستند.

نفتی، مانند جبران خسارت‌هایی که از تخلفات پیمانکار یا پرسنل او یا پیمانکاران فرعی ناشی می‌شود را دربر می‌گیرد. با وجود اینکه پیمانکار مکلف است پوشش بیمه‌ای مناسبی را برای انواع خسارت‌های مزبور تحصیل کند، ممکن است برخی از مصادیق خسارت، مانند دعاوی اشخاص ثالث در خصوص عملیات نفتی، پس از پایان قرارداد مطرح شود؛ در این صورت تصریح به بقای شرط مسئولیت پیمانکار پس از خاتمه‌ی قرارداد، ضروری است؛ در قرارداد بیع متقابل ایران (مدل ۲۰۰۸) حکمی در این خصوص مقرر نشده است [۶].

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا مفاهیم فسخ، انفساخ و بطلان در علم حقوق بررسی شد و ماهیت و تفاوت آثار آنها بیان گردید. سپس مفهوم فسخ در نوشته‌های حقوقی و تبعات آن بر حقوق و تکالیف قراردادی در قراردادهای نفتی تجزیه و تحلیل شد. عموماً در اکثر قراردادهای نفتی موارد فسخ توسط پیمانکار یا شریک و دولت میزبان یا شرکت ملی نفت آن کشور

پانویس‌ها

1. Termination	9. Technology	17. Deed of Mutual Termination or Deed of Revocation
2. Plateau Production target	10. Know-How	18. Effective Date of Deed
3. Major breach	11. Capable of Remedy	19. Warranty and Indemnification
4. Insolvency/ Bankruptcy	12. Incapable of Remedy	20. Senior Management
5. Liquidation	13. Partial termination	21. Confidentiality
6. Reconstruction	14. Termination for Convenience	22. Termination For Convenience
7. Amalgamation	15. Termination for Cause	23. Liability of Contractor
8. Iranian Content	16. Mutual Agreement	

منابع

- [۱] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷
- [۲] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷
- [۳] شیروی، عبدالحسین، حقوق نفت و گاز، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، تابستان ۱۳۹۳
- [۴] امانی، مسعود، حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۹۰
- [۵] ایران‌پور، فرهاد، تحلیل حقوقی قراردادهای نفتی، چاپ اول، تهران، انتشارات رخ داد نو، ۱۳۹۴
- [۶] حاتمی، علی، کریمیان، اسماعیل، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری، چاپ دوم، تهران، انتشارات تیس، تهران، ۱۳۹۴
- [۷] صابر، محمدرضا، بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۹
- [8] Janet o, Sullivan & Jonathan Hilliard” The law of contract”, edition 5, Oxford University Press, 2013.
- [9] Ewan Macendrick “Contract Law, Text, Cases and Materials”, Edition 5, Oxford University Press, 2012.
- [10] Bernard G. Taverne, “An introduction to the regulation of the Petroleum Industry: Law, Contracts and Conventions”, London, Graham and Trotman: 1994.
- [11] Peter Wells, “Iraq’s Technical Service Contract-A good Deal for Iraq”, Middle East Economic Survey, 23 November 2009.
- [12] A. Brexendorff, c Ule and M. kun, “The Iranian Buy-back Approach” OGEL, April 2009.